

کنش عربستان سعودی پیرامون نفوذ در آسیای مرکزی: چالش‌ها و فرصت‌ها برای نظم امنیتی منطقه‌ای و جایگاه ایران (۲۰۲۱-۱۹۹۱).**

سجاد بهرامی مقدم^۱ *

رضا ریحانی کلاچاهی^۲

چکیده

این مقاله به آثار بازیگری عربستان سعودی بر مجموعه امنیتی منطقه ای آسیای مرکزی و جای گاه ایران در آن، پرداخته است. تسری نقش حمایت گر عربستان سعودی از جریان‌های بنیادگرای اسلامی سنی به مناطقی مانند آسیای مرکزی نیز قابل به مشاهده بود. موضوع فوق، بر روی مجموعه امنیتی آسیای مرکزی و امنیتی سازی کشورهای ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قزاقستان و قرقیزستان تائی داشت. روسیه، جمهوری خلق چین و به ویژه ایران نیز در مواجهه با دگرگونی در سامان این مجموعه ها قرار داشته و نسبت به آن واکنش نشان دادند. هدف مقاله حاضر بررسی این موضوع است. پرسش مقاله حاضر بیان نمود که: اقدامات عربستان سعودی در تقویت بنیادگرایی سلفی در آسیای مرکزی، چه تاثیراتی بر روی چارچوب مجموعه امنیتی کشورهای آسیای مرکزی داشته است؟ فرضیه مقاله بیان کرد که به دلیل استفاده عربستان سعودی از عامل هویت مذهبی برای نفوذ در منطقه آسیای مرکزی، با حمایت از جریان‌های مانند حزب التحریر و رنسانس اسلامی، موجب گسترش اندیشه خلافت در میان اکثریت سنی حنفی مذهب در آسیای مرکزی شده است. امنیتی سازی و پیدایش دوگانه رشد و یا تضعیف منطقه گرای امنیتی، حاصل اقدامات امنیتی ساز عربستان سعودی در آسیای مرکزی بوده است. در این زمینه، با تشدید مولفه تهدید، امکان رشد منطقه گرای امنیتی افزایش یافته و از سوی دیگر، زمینه رقابت و خصومت، میان واحد‌های سیاسی در آسیای مرکزی بیشتر گردید.

واژگان کلیدی: عربستان سعودی، بنیادگرایی، مجموعه امنیتی، آسیای مرکزی، سلفی



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره سیزدهم،

شماره دوم، شماره

پیاپی چهل و نه،

تابستان ۱۴۰۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. استادیار روابط بین الملل؛ گروه علوم سیاسی دانشگاه گیلان، رشت، ایران؛ (نویسنده مسئول).

* sbahrami@guilan.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری روابط بین الملل گروه علوم سیاسی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

** این مقاله از نتایج طرح پژوهشی «کنش عربستان سعودی پیرامون نفوذ در آسیای مرکزی: چالش‌ها و فرصت‌ها برای نظم امنیتی منطقه‌ای و جایگاه ایران (۲۰۲۱-۱۹۹۱ م.)»، مصوب مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی دانشگاه تهران است، که با حمایت مالی این مرکز اجرا شده است.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۳/۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۵

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره سیزدهم، شماره پیاپی چهل و نه، صص ۶۰-۳۱

مقدمه

رقابت عربستان سعودی و بازیگران منطقه‌ای خاورمیانه به ویژه ایران، از عناصر اساسی بررسی اضلاع دیگر رقابت‌ها و همکاری‌های محتمل در آن می‌باشد. عربستان سعودی، تلاش دارد تا اهمیت جایگاه خود را بیش از پیش افزایش داده و در عرصه سیاست خارجی، آن را به منافع قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند ایالات متحده گره بزند تا از امنیت بیشتری بهره‌مند گردد. برابر با عربستان سعودی، کشورهایمانند ایران و یا عراق، حول محور کشورهای شیعی نیز به عنوان واحدهایی سیاسی ناسازگار با سیاست ایالات متحده، در پی آن هستند تا از فرصت‌های پدیدآمده در درازای دوران گذار در نظام بین‌الملل، به سوی تبدیل شدن به یک قطب‌های منطقه‌ای تاثیر گذار سود ببرند. در واشکافی جایگاه عربستان سعودی، می‌بایست به تلاش آن برای تبدیل شدن به نوع خاصی از الگو و رهبر برای جهان اسلام، در کنار طرد و تخفیف دیگر رقبا اشاره نمود. در این مسیر، عربستان سعودی با تعریف خود به عنوان یک رژیم سیاسی سنتی طرفدار اسلام سیاسی حنفی، حامی رژیم‌های سنتی (پادشاهی‌های عربی و رژیم‌های فرقه‌ای سنی) است. در همین حال، محور شیعی در خاورمیانه به رهبری ایران، با بروز یک هویت شیعی تجدیدنظرطلب از خود و تکیه بر نیروهای شیعی منطقه، نه تنها از محور مقاومت (حامیان مقابله رژیم اسرائیل در دفاع از آرمان‌های فلسطین) حمایت می‌کند، بلکه خواهان تغییر رویکرد حفاظت از نظم کنونی توسط حکومت‌های سنتی خاورمیانه نیز می‌باشد.

نظم منطقه‌ای فوق، منطبق بر منطق مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای و بر اساس مفهوم تمرکز تهدید و قرابت جغرافیایی است. عربستان سعودی بیشتر در منطقه خاورمیانه اقدام به اعمال نفوذ امنیتی می‌نماید، اما تسری نقش این کشور به دیگر مناطق، مانند آسیای مرکزی نیز قابل به مشاهده می‌باشد. مصادیق این مواجهه نیز به مانند منطقه خاورمیانه، می‌بایست در چارچوب مجموعه امنیتی آسیای مرکزی مورد بررسی قرار گیرد. مجموعه و یا مجموعه‌های امنیتی منطقه آسیای مرکزی، در جهت پر کردن خلا قدرت ناشی از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق، در حال فرگشت می‌باشد. این مجموعه امنیتی، دارای زیر سامانه‌هایی آشکار، اما با محدوده قدرت نامعین و غیر همگن

اند که می‌توان آن‌ها را خرده مجموعه‌های امنیتی آسیای مرکزی نامید. ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قزاقستان و قرقیزستان، هر کدام مبتنی بر میزان تاثیر قطبش‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مانند فدراسیون روسیه، جمهوری خلق چین و از سوی دیگر ایالات متحده، در مواجهه با دگرگونی در سامان این مجموعه‌ها قرار دارند.

یکی از مهم‌ترین عوامل بی‌ثباتی و عدم شکل‌گیری منطقی مجموعه‌های امنیتی فوق، تاثیر تضادهای هویتی مذهبی و رشد بنیادگرایی، مبتنی بر تلقی جزمی و حداکثرگرا از اسلام سیاسی می‌باشد. این موضوع، از مولفه‌های «امنیتی سازی»^۱ کشورهای آسیای مرکزی است. رشد اندیشه‌های سیاسی مبتنی بر اسلام سلفی و وهابی و تضعیف قرائت مسالمت‌جوی اسلام حنفی که به نسبت نمونه سلفی خود، بر ترویج مماشات برابر با نوع حاکمیت سیاسی مدرن تاکید دارد، از عدم قطعیت‌های موثر بر بی‌ثباتی امنیتی و سیاسی در منطقه آسیای مرکزی است. این موضوع، خطر گرایش‌ها از مرکز را در این منطقه بیشتر کرده است. یکی از مهم‌ترین عوامل این رشد، که توجه کشورهای همسایه این منطقه را نیز برانگیخته است، سرمایه‌گذاری مادی و معنوی عربستان سعودی در تقویت هسته‌های ترویج وهابی‌گری و اسلام سیاسی رادیکال است.

عامل مهم دیگر ترویج وهابی‌گری در منطقه آسیای مرکزی، نزدیک کردن نمودن اسلام سنی غیرمیانرو، توسط عربستان سعودی، به تعریف قومیت و ملیت در کشورهای آسیای مرکزی است. جمهوری‌های آسیای مرکزی، از اسلام به عنوان عامل سامان‌بخش ساختارهای سیاسی و امنیتی، پس از فروپاشی شوروی سابق سود برده و از آن حمایت می‌کردند. حمایت از اندیشه‌های سیاسی حداکثری از اسلام، به عنوان یک عامل وحدت بخش، در کنار حمایت بازیگران سیاسی رسمی همسایه منطقه آسیای مرکزی، که این اندیشه را راهی برای هموارسازی نفوذ خود در آن می‌دانند، زمینه را برای حمایت از نضج‌گیری اسلام سیاسی افراطی توسط عربستان سعودی برانگیخته است. عربستان سعودی با ترکیب‌های گوناگونی از اسلام سنی در منطقه آسیای مرکزی مواجه بود. با این وجود که مذهب حنفی در آسیای مرکزی، دارای بیشترین میزان گروندگان مذهبی است، هر کدام از ۵ جمهوری مستقل شده پس از فروپاشی شوروی سابق، زمینه‌های

¹ Securitization

گوناگونی از طیف‌های اسلام سنی و ظرفیت سیاسی سازی آن‌ها را در خود داشتند. این موضوع، به این دلیل رخ داد که زمینه تاریخی، ساختارهای سیاسی حاکم و موثر بر این کشورها و میزان ارتباط مذهب با قومیت که عنصری پیوسته و موثر، حتی بر روی گرایش به اسلام در آسیای مرکزی می‌باشد، در این کشورها وجود داشته است.

مواجهه با ترویج افراطی‌گری توسط عربستان سعودی در آسیای مرکزی، بازیگران مذهبی و سیاسی این منطقه را به دو گروه تقسیم کرده است. در این حوزه، اسلام حنفی برابر اسلام سلفی قرار گرفته است و تقویت رقابت‌های محتمل میان این کشور و بازیگران منطقه‌ای همسایه را نیز تشدید می‌کند. هدف مقاله حاضر بررسی این موضوع است. پرسش مقاله حاضر بیان می‌دارد که: کنش عربستان سعودی در تقویت بنیادگرایی سلفی در آسیای مرکزی، چه تأثیراتی بر روی چارچوب مجموعه امنیتی کشورهای آسیای مرکزی داشته است؟ فرضیه مقاله بیان می‌کند که به دلیل حمایت عربستان سعودی به عنوان یک بازیگر تجدیدنظرطلب، از اندیشه وهابی خواهان گسترش اندیشه خلافت در میان اکثریت سنی حنفی مذهب در آسیای مرکزی، امنیتی سازی و دوگانه رشد و یا تضعیف منطقه‌گرایی امنیتی در آن تشدید شده است. بر این اساس از یک سو، تشدید مولفه تهدید، امکان رشد منطقه‌گرایی امنیتی را بیشتر کرده و از سوی دیگر، موجب بروز و یا تشدید رقابت و خصومت میان واحدهای سیاسی در آسیای مرکزی شده است. روش پژوهش حاضر، توصیفی است. برای جمع آوری داده‌ها، به منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی مراجعه شده است و تلاش شده تا به تحلیل آن‌ها و آزمون فرضیه پرداخته شود. منابع اصلی و فرعی مورد استفاده در طرح، شامل: مقالات، کتاب‌ها و اسناد دولتی است. این اسناد، شامل آمار، مفاد قوانین و متون کارشناسی مرتبط با آن است.

۱. چارچوب تحلیلی: امنیتی سازی در مجموعه امنیتی منطقه ای

با گذار از دوران استعمار و سپس جنگ سرد، پویای قطب‌های قدرت جهانی، دچار دگرگونی مهمی در سامان خود شدند. روابط میان این قدرت‌ها، به صورتی رشد یافته است که زیر سامانه‌های آنان بیش از پیش دارای اهمیت شده‌اند. این سطح، سطح

منطقه‌ای^۱ می‌باشد. پس از جنگ سرد، تقاضای قابل به توجهی برای دستور کار همکاری و یا نهادسازی‌های مرتبط با چارچوب منطقه، در برنامه عملی بسیاری از دولت‌ها قرار گرفته است. مهم‌ترین کانون توجه به مسئله امنیت، در چارچوب منطقه، با آثار مکتب کپنهاگ پدید آمد. مکتب کپنهاگ^۲ استدلال می‌کند که امنیت، امری از پیش معین نیست، بلکه از طریق تعاملات اجتماعی و گفت‌وگویی بین‌الذنهانی، میان بازیگران قدرتمندی که تعاریفی از تهدیدات را ارائه می‌دهند و مخاطبان مرتبطی که این تعاریف را تصدیق می‌کنند، ساخته می‌شود (Stepka, 2022: p 18). در کتاب «مردم، دولت‌ها و ترس: معضل امنیت ملی در روابط بین‌الملل»^۳ (۱۹۹۱)، بری بوزان بیان داشت که گذار از دوران دو قطبی، موجب تغییر از منطق امنیت دولتی به منطق امنیت اجتماعی در غالب بازیگرانی فراتر و فروتر از دولت، به شکل همزمان روی داده و فراتر از دو سطح خرد و کلان در سیاست و روابط بین‌الملل پیش رفته است. وی می‌افزاید که هیچ یک از دو سطح فوق، به تنهایی قادر به پاسخگویی پیرامون پویایی‌های قدرت در وضعیت فعلی نیستند (Buzan, 1999).

بعد مهم مکتب فوق در مطالعات امنیتی، با آثار راهگشای بری بوزان^۴ و اوله ویور^۵ که از سال ۲۰۰۳ میلادی به بعد منتشر شدند، به شکل دقیقی مولفه‌های امنیتی در گرایش منطقه‌ای کشورها را به بوته آزمایش نهادند. به بیان بوزان و ویور، اتکاء کشورها، تنها به نیروی خود در سطح ملی، و یا تاکید بیش از پیش بر روی اهمیت ساختار نظام بین-الملل، نمی‌تواند تا به دقت چارچوب‌های جدید موجود در معادلات امنیتی را شرح دهد. بر این اساس، آن دو در کتاب «مناطق و قدرت‌ها: ساختار امنیت بین‌المللی» (2004)، الگویی نو را توضیح می‌دهند که آن را نظریه منطقه‌گرایی امنیتی می‌نامند. منطقه‌گرایی امنیتی یا مجموعه امنیتی منطقه‌ای^۶، فرد را قادر می‌سازد تا این ساختار جدید را درک کند و تعادل نسبی قدرت و روابط متقابل درون آن را در میان روندهای منطقه‌ای و جهانی ارزیابی نماید. در این حوزه، بیان می‌گردد که با وجود بیشتر بودن

Level¹ Regional

² Copenhagen School

³ People, States and Fear: The national security problem in international relations

⁴ Barry Buzan

⁵ Ole Wæver

⁶ Regional security complex theory

احساس تهدیدات در مناطق نزدیک‌تر جغرافیایی، نسبت به حوزه‌های با فاصله بیشتر، وابستگی متقابل امنیتی معمولاً به صورت خوشه‌های منطقه‌ای یا مجموعه امنیتی منطقه-ای شکل می‌گیرند (Buzan and Wæver, 2003: p 4). فرآیندهای امنیتی‌سازی و در نتیجه میزان وابستگی متقابل امنیتی در میان بازیگران درون این مجموعه‌ها، شدیدتر از بازیگران خارج از آن است. با این وجود که مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای، ممکن است به‌طور گسترده توسط قدرت‌های جهانی مورد نفوذ قرار گیرند، اما پویایی منطقه‌ای آن‌ها با این وجود دارای درجه قابل توجهی از خودمختاری نسبت به الگوهای تعیین‌شده توسط قدرت‌های جهانی است (Buzan and Wæver, 2009).

بوزان و ویور، عناصر خاصی را با توجه به رشد منطقه‌گرایی در بعد امنیتی به عنوان یک فرایند در نظر گرفته و برای آن مراحل را که وجوه ممیزه یک منطقه از دیگری است را به شرح ذیل بیان می‌دارند:

۱. مفهوم مرز و یا محدوده یک منطقه و یا مرز: مرز، یک مجموعه منطقه‌ای را از سایر واحدهای منطقه‌ای جدا می‌کند. باید در نظر داشت که مجموعه امنیتی جایی است که رابطه امنیتی خاصی، گروهی از کشورها را از بقیه جدا می‌کند. در یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای، وابستگی متقابل امنیتی میان اعضاء، بسیار قوی‌تر از روابط امنیتی آنها با کشورهای فرامنطقه‌ای است. مرز میان مجموعه‌های منطقه‌ای را می‌توان با بی‌تفاوتی نسبی آنها نسبت به معاملات یکدیگر ترسیم نمود. توجه به مرز به عنوان یک متغیر، حاکی از آن است که محدوده مورد نظر از نظر بوزان بسیار مهم است. این میزان اهمیت به این دلیل است که کشورها، بیشتر نگران همسایگان خود هستند تا کشورهای دور. معیار تعیین مرز از دیدگاه بوزان، میزان بی‌تفاوت بودن یا حساسیت نسبت به تعاملات منطقه‌ای است (Pour Esmaili, 2020: 139). این مفهوم، بر تمرکز کشورهای یک منطقه در محدوده موضوعات و مسائل امنیتی محلی آن تأکید دارد. در این حوزه باید گفت که درک کشورها از موضوعات، تهدیدات و فرصت‌ها در منطقه، به یکدیگر کم و بیش نزدیک است. می‌توان کشورها را به ۴ دسته تقسیم نمود که در مورد تهدیدات امنیتی قابل به طبقه بندی هستند. بعضی به شکل مستقیم و بعضی به صورت غیر مستقیم با تهدید مواجه

هستند. برخی دیگر نیز در جایگاه‌های سوم و چهارم از نظر اهمیت قائل شدن برای مشکل قرار دارند. بر اساس میزان گسترش و درگیر بودن کشورها در یک مشکل امنیتی، می‌توان از گسترش مرزهای یک منطقه سخن گفت. هرچه میزان و گستره معضل، بازیگران یک منطقه را بیشتر و مستقیم‌تر درگیر کند، حدود آن منطقه، پیرامون حل آن مشکل مشخص‌تر می‌شود. بازیگران مختلف یک منطقه بر اساس اهمیتی که به حل مشکلات شان می‌دهند، در مرزهای متداخلی هم فعالیت می‌کنند و مرزهای منطقه‌ای یک تهدید، ممکن است با دیگری همپوشانی داشته باشد. حل یک مشکل می‌تواند محدوده مرز مورد نظر را کاهش دهد.

۳۷



کنش عربستان
سعودی پیرامون
نفوذ در آسیای
مرکزی: چالش‌ها و
فرصت‌ها برای نظم
امنیتی منطقه‌ای و
جایگاه ایران
(۱۹۹۱-۲۰۲۱)

۲. قطبیت و پویای قدرت در یک منطقه: بری بوزان و ویور بیان می‌دارند که در یک منطقه می‌بایست به میزان بازیگران موثر در بعد قدرت توجه داشت. به طور کلی در هر منطقه، از تعدادی بازیگر قدرت موثر تشکیل می‌گردد. موضوع قدرت موثر، به این معنی است که واحدهایی در آن منطقه، جزو بازیگران منطقه‌ای محسوب می‌گردند که حقیقتاً نسبت به موضوعات و مشکلات امنیتی، دارای منافع مستقیم باشند. قدرت منطقه‌ای مورد انتظار در این موارد، قدرتی است که در کنار دیگر قدرت‌ها، وزن نسبی کافی برای تعریف یک قطب بزرگ منطقه‌ای را داشته (Buzan and Wæver, 2003: p 55) و کم و بیش با دیگر قدرت‌های منطقه‌ای در یک سطح باشد.

۳. متغیر تاثیرگذار آنارشی^۱: محیط آنارشیک، علاوه بر نظام بین‌الملل، ویژگی یک منطقه نیز می‌باشد. این هرج و مرج و آنارشی، به گونه‌ای از ساختار نظام بین‌الملل وام گرفته شده و در مناطق نیز بازتولید می‌گردد. عاملی که این آنارشی را مبتنی بر نظریه بوزان و ویور افزایش می‌دهد، رشد میزان تراکم رقابت و خصومت در منطقه مورد نظر می‌باشد. تاثیر آنارشی، موجب می‌شود تا کشورها نتوانند مشکلات خود را در چنین محیطی حل نمایند. عدم قطعیت فوق، باعث افزایش بیش از پیش خصومت‌های پدید آمده بر اثر عامل فوق می‌شود. عامل ثبات بخش به چنین

^۱ Anarchy

وضعیتی، عزم هر کدام از واحدهای سیاسی در منطقه فوق برای حل مشکل می‌شود. این عزم، خود را به شکل تلاش‌های چندجانبه مبتنی بر همکاری نشان می‌دهد.

۴. مرزبندی‌های گوناگون: معضل امنیتی مورد اشاره توسط بوزان، به دید او موجب پدید آمدن مرزبندی‌های گوناگونی از دوستی و دشمنی می‌گردد. بوزان این روند را فرگشتی از ساختار قدرت می‌داند. امنیتی‌سازی، می‌تواند به صورت مثبت (جایی که گروهی از بازیگران تعریفی مشترک از تهدید و هدفی مرجع را با هم به شکل کامل و یا تا حدی به اشتراک می‌گذارند) یا منفی (جایی که بازیگران، یا گروه‌هایی از آنان، یکدیگر را به شکل برابر تهدید می‌کنند) در فرآیند شکل‌گیری الگوهای بالقوه بادوام از وابستگی متقابل امنیتی پدید آید (Buzan and Wæver, 2009: 256). در این وضعیت، چنانچه راهبرد قطب‌های منطقه‌ای مبتنی بر همکاری بر سر حل معضل باشد، روابط فیما بین آن‌ها به سوی هماهنگی‌های امنیتی چندجانبه نیل خواهد نمود.

انواع تهدیدات امنیتی به مانند بنیادگرایی مذهبی، قادر هستند بر روی هر کدام از عوامل رشد و یا محدود کردن منطقه‌گرایی امنیتی، اثر گذاری مخصوص به خود را داشته باشند. مبتنی بر مولفه نخست مورد اشاره در نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای، میزان فوریت و گستردگی اثرگذاری تهدید بر روی هر کدام از بازیگران، کنش امنیتی هماهنگ منطقه‌ای را شکل می‌دهد. این موضوع، به میزان تهدیدات در منطقه بستگی دارد که عامل تاثیرگذار بر روی افزایش و یا کاهش آنا رشی در آن می‌باشد. میزان تراکم آنا رشی که به خصومت محیط رقابتی در آن باز می‌گردد، خود از عوامل مخل شکل‌گیری یک نظم منطقه‌ای با ثبات است. افراطی‌گری، به عنوان یک متغیر میانگیر منفی در رقابت‌های امنیتی، موجب افزایش عدم قطعیت در رقابت و رشد بی‌ثباتی امنیتی می‌گردد. این موضوع، به میزان تهدیدات در منطقه بستگی دارد که عامل موثر بر روی افزایش و یا کاهش آنا رشی است. این موضوع، به امنیتی‌سازی مرتبط است.

بوزان، مفهوم امنیت را بسیار فراتر از دیدگاه سخت نظامی گسترش می‌دهد. بوزان بیان می‌کند که برای اینکه یک موضوع، «امنیتی» به حساب آید، باید قابل به جداسازی از مسائل صرفاً سیاسی باشد و بر این اساس، می‌توان مفهوم نسبی امنیت را به انواع

سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی محیط‌زیستی توسعه داد. عوامل فوق، در کنار میزان درک مستقیم دولت‌ها از یک معضل در بعد امنیتی، مسئله امنیتی‌سازی را در یک منطقه خاص پر رنگ می‌نماید. امنیتی‌سازی به معنی درک یک کشور یا مجموعه از کشورهای منطقه از تهدید است که یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای را پدید می‌آورد. تنها مسائلی می‌توانند به معنای حقیقی امنیتی تلقی شوند که تهدیدی مرجع برای تمامی واحدها و یا بیشتر آن‌ها در یک منطقه پدید آورند. ویژگی امنیتی‌سازی یک پدیده این است که با مفاهیم بقا، فوریت در اقدام و اضطراب در ارتباط می‌باشد. بنیادگرایی مذهبی، به ویژه بنیادگرایی اسلامی، از عوامل موثر در شکل‌دهی به یک فضای امنیتی است. این موضوع، به دلیل نقش پررنگ پندار و روش سیاسی در اسلام، نسبت به ادیان دیگر و گستردگی نقش‌های سیاسی توصیه شده توسط آن به مومنان در جامعه پیرامون روی می‌دهد. تلقی بنیادگرایانه از نقش سیاسی دین اسلام، نه تنها خواهان ایفای یک نقش سیاسی تام و تمام در جامعه اسلامی است، بلکه با آثار ظاهری مدرنیته نیز خصومت دارد. مسلمانان بنیادگرا، دین را بخشی از هویت خویش تلقی می‌کنند، در واقع، مدرنیته و مدرنیزاسیون برای آن‌ها یک تهدید وجودی تلقی می‌شود، چرا که هویت آن‌ها را نشانه می‌گیرد؛ بنابراین در طرز تلقی جریان‌های تروریستی تکفیری مانند داعش از اسلام، مدرنیته نه تنها سازگاری موثری با اسلام ندارد، که در تعارض با آن است و اشکال از پدیده‌های مدرن است. در چنین خوانشی از مدرنیته، پدیده‌های مدرن، مدرنیزاسیون و خود مدرنیته یک تهدید وجودی به حساب می‌آیند و سعی در مقابله با آن را دارند (حسینی چنار و آجیلی، ۱۴۰۰: ۱۵۰).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اندیشه بنیادگرایانه مذهبی، بیشتر تظاهرات تمدن مدرن را نوعی رفض و بدعت بر می‌شمارد و این موضوع موجب می‌گردد تا به واکنش عمدتاً سخت برابر با آن دست زند. این واکنش‌ها، عامل گسترش محیط امنیتی هستند و به شکل گرایش‌های گریز از مرکز، تنش امنیتی و تهدید، نمود می‌یابند. از یک سو، روند رشد بنیادگرایی مذهبی، قادر است تا سیاست‌های امنیتی منطقه‌ای فعالی را در میان واحدها پدید آورد تا به مقابله با امنیتی‌سازی در آن پردازند. از سوی دیگر، بنیادگرایی می‌تواند عامل تشدید ابعاد امنیتی‌سازی در منطقه و تضعیف منطقه‌گرایی شود. ممکن است در دوگانه همکاری و یا رقابت در

روابط امنیتی منطقه‌ای، تهدید مرتبط با تنش‌های بنیادگرایانه مذهبی، موجب اشتباه در ادراکات قدرت‌های منطقه‌ای از یکدیگر و یا افزایش میل به همکاری گردد.

۲. ادبیات پژوهش

در ادبیات پژوهشی مرتبط با منطقه‌گرایی در آسیای مرکزی و تأثیری که رقابت‌های خارجی در آن دارند، بررسی تعاملات عربستان سعودی موضوع جدیدی محسوب می‌گردد. چندین اثر، تنها به اجزایی منفرد از ابعاد کنش عربستان سعودی در آسیای مرکزی پرداخته‌اند و پژوهش‌های موردی دیگر نیز تنها به ابزارها و یا زمینه‌های نفوذ آن در منطقه فوق متوجه بوده‌اند. علاوه بر آثار فوق، برخی دیگر از متون به نقش عربستان سعودی در تقویت افراط‌گرایی و تأثیر آن بر روی بازیگران خارجی پرداخته‌اند که اجزایی از عنصر رقابت این کشور برای نفوذ در آسیای مرکزی را نیز آشکار می‌کنند. اما اثری که تأثیر امنیتی‌سازی بنیادگرایی سعودی بر وضعیت نظم امنیتی منطقه‌ای در آسیای مرکزی را شرح دهد، موجود نمی‌باشد.

برخی از مقالات مجموعه «از خلیج تا آسیای مرکزی: بازیگرانی در یک بازی بزرگ جدید» (2002)، به همت انوشیروان احتشامی، به کنش رقابتی عربستان سعودی در آسیای مرکزی پرداخته‌اند. در این مجموعه آثار، مای یمانی در مقاله «عربستان سعودی و آسیای مرکزی: پیوند اسلامی» بر پیوندهای هویتی اسلامی، به عنوان ابزار نفوذ ژئوپلیتیکی عربستان سعودی در آسیای مرکزی اشاره نمود. ریاد الرایس، در «پیوندهای سیاسی و امنیتی میان خلیج فارس و کشورهای مسلمان آسیای مرکزی» (2002)، هویت اسلامی حنفی را ابزاری برای عربستان سعودی در نفوذ به آسیای مرکزی، ذیل مجموعه شورای همکاری خلیج فارس می‌داند. کتاب «رویکردهای انتقادی به امنیت در آسیای مرکزی» به قلم ادوارد لمون (2020) و جهاد، خیزش اسلام ستیزه جو در آسیای مرکزی (2002)، اثر احمد رشید، اصلی‌ترین ریشه معضل امنیت در آسیای مرکزی را بنیادگرایی، در کنار سرکوب مذهب، فساد سیاسی و فقر می‌داند. عوامل فوق، بنیادگرایی مذهبی را تقویت می‌کنند و ترویج سلفی‌گری سعودی بر آن تکیه می‌نماید. عامل فوق، بر قدرت نرم عربستان سعودی در حمایت از سلفی‌گری تأکید دارد. در میان مقالات فارسی، هدایتی شهیدانی و صفری در مقاله «نقش عربستان سعودی در تصاعد زمینه‌های خشونت زای

هویت اسلامی: مطالعه موردی منطقه آسیای مرکزی» (۱۳۹۶)، قدرت نرم فوق موجب پیدایش اندیشه عدم رواداری و تحمل در فرهنگ سیاسی آسیای مرکزی می‌دانند. این مسئله، به زعم نگارندگان موجب انحراف در هویت‌یابی صحیح گروه‌های اسلامی در آسیای مرکزی شده است. روحی دهبنه و مرادی کلارده در «واکاوی نقش عربستان سعودی در گسترش تروریسم تکفیری در آسیای مرکزی با تمرکز بر رویکرد رسانه-ای» (۱۳۹۷)، مهم‌ترین هدف عربستان سعودی در ترویج بنیادگرایی را رقابت منطقه‌ای با ایران و نیز ایفای نقش حمایتی در سیاست خارجی آمریکا برای فشار بر روسیه می‌دانند.

۴۱

۳. عربستان سعودی، منافع بنیادگرایانه و ناامنی منطقه‌ای

منطقه آسیای مرکزی، دارای اضلاع گوناگونی از چگالی‌های مربوط به مجموعه‌های امنیتی است. شکل‌گیری این مجموعه‌ها و تاثیرگذاری متقابل آن‌ها بر یکدیگر، پس از فروپاشی شوروی سابق آغاز گردید. به همین دلیل، بیشترین دگرگونی در این مجموعه-ها، متأثر از پیدایش روسیه جدید بود. شکل‌گیری وضعیت آنارشیک و پیدایش مجموعه امنیتی در آسیای مرکزی، در دوره اتحاد شوروی و ساختار مدیریتی دستوری و تمرکزگرای آن، سبب شده بود که واحدهای داخلی با عنوان جمهوری‌های متحد، جمهوری‌های خودمختار و مناطق خودمختار، در یک نظام برنامه‌ریزی تحت هدایت مسکو قرار بگیرند. با فروپاشی ساختار دستوری و تمرکزگرای اتحاد شوروی و تشکیل واحدهای مستقل ملی، آسیای مرکزی هم وارد فضای آنارشیک شد (کولایی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۴۹).

مهم‌ترین عوامل شتاب‌دهنده به آغاز روند شکل‌گیری مجموعه‌های امنیتی منطقه آسیای مرکزی، متأثر از پیوندهای کلی تاریخی، قومی-مذهبی، اقتصادی و فرهنگی و متأثر از مجاورت جغرافیایی و تلقی از تهدیدات مشترک بوده‌اند. خطرات زیست محیطی، اختلافات ارضی ناشی از فروپاشی شوروی سابق و پیدایش خلاء نیروی سیاسی یک ابر دولت، از خطراتی بوده‌اند که قزاقستان، جمهوری قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان را بر اساس عنصر همسایگی و احساس تهدید مشترک، به سوی تشکیل مجموعه‌های امنیتی سوق داده‌اند. با افزایش تعداد بازیگران فعال دولتی در آسیای



کنش عربستان
سعودی پیرامون
نفوذ در آسیای
مرکزی: چالش‌ها و
فرصت‌ها برای نظم
امنیتی منطقه‌ای و
جایگاه ایران
(۱۹۹۱-۲۰۲۱)

مرکزی، علاقه به همکاری با این کشورها در ابعاد گوناگون نیز رشد داشته است. «پیش از این (تنها) فدراسیون روسیه بازیگر اصلی خارجی در منطقه بود. این نقش توسط چین و همچنین ایالات متحده، ژاپن، کره جنوبی، اتحادیه اروپایی، ایران، ترکیه و دیگران نیز ایفا می‌شود که هر کدام از آنها، اهمیت فزاینده‌ای برای آسیای مرکزی در سیاست خارجی خود قائل اند» (Umarov, 2019). افراطی‌گرایی مذهبی جدیدترین عنصر موثر بر عدم ثبات در مجموعه امنیتی آسیای مرکزی است.

وقوع رویدادهای تشدیدکننده بی‌ثباتی‌های امنیتی، مانند حادثه ۱۱ سپتامبر در سال ۲۰۰۱ میلادی، بر سرعت اقبال بازیگران در آسیای مرکزی، در مسیر امنیت‌سازی، علیه امنیتی بودن این منطقه افزود. پس از این رویداد و با وقوع تنش‌های اساسی در منطقه خاورمیانه، بر اثر رشد اسلام سیاسی بنیادگرا و ستیزه‌جو در منطقه آسیای مرکزی، با خشونت قومیتی و بی‌ثباتی منطقه‌ای مواجه گردید. رشد این اندیشه‌ها در مناطق همسایه، مانند افغانستان، مشکلات امنیتی، سیاسی و اقتصادی مهمی را پدید آورد. تنش اقلیت‌های دینی در غرب جمهوری خلق چین، موضوع قاچاق مواد مخدر و هرویین و مشکلات زیست محیطی متعاقب این معضلات نیز کشورهای آسیای مرکزی را مجبور به پیدا کردن راه حل کرد. بر همین اساس، نهادهای سیاسی، امنیتی و اقتصادی منطقه‌ای، به تدریج در آسیای مرکزی رشد یافتند. با شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای^۱ و ساز و کار پیمان امنیت دسته جمعی آن، به تدریج منطقه آسیای مرکزی وارد فضای جدیدی از تنش‌زدایی و غیرامنیتی‌سازی موضوعات شد که در واقع فرایند معکوس امنیتی کردن است؛ یعنی بازگشت یک موضوع از حالت سیاسی فوری به عادی (کولایی و کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۸: ۱۲۴).

تهدید اساسی مجموعه‌های امنیتی منطقه آسیای مرکزی، به «تجزیه طلبی»^۲ ناشی از اقدامات حمایتی آن، از اسلام سلفی، برابر اسلام سنتی حنفی ناشی می‌شود. در درجه نخست، با تهدید مرزهای کشورهای منطقه آسیای مرکزی، محیط نسبتاً غیرامنیتی این منطقه به معنای خاص، به سوی امنیتی‌سازی سوق داده می‌شود. فرگشت رادیکالیسم

¹ Shanghai Cooperation Organization

² Separatism

اسلامی در آسیای مرکزی، عمدتاً تحت تاثیر جریان‌های اسلام‌گرای خارج از منطقه بوده است که در اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی وارد آن شده و با سرمایه‌گذاری کشورهای نظیر عربستان سعودی و حمایت ایالات متحده رشد نموده‌اند. البته، سلفی‌گری در آسیای مرکزی از سوی کشورهای دیگر نظیر پاکستان، ترکیه، قطر و... نیز مورد حمایت قرار گرفت. اولین جریان‌های تندرو که وارد آسیای مرکزی شدند، عمدتاً شامل گروهی از دانشجویان مسلمان و از کشورهایایی چون: اردن هاشمی، عراق و افغانستان بودند. این دانشجویان «گروه تاشکند»^۱ را پی ریزی کردند تا در دانشگاه‌های آسیای مرکزی گروه‌های زیرزمینی تشکیل دهند و بیشتر به آموزش‌های وهابی اقبال نشان دادند (مجیدی و باقری، ۱۳۹۷: ۱۹۰).

در کنار این سابقه تاریخی، تهدید تمامیت ارضی کشورهای منطقه آسیای مرکزی، همراه با رشد و سرریز فعالیت‌های بنیادگرایانه، موجب گردیده‌اند تا عدم قطعیت‌های سیاسی مجموعه‌های امنیتی آسیای مرکزی افزایش یابند. ساختار نسبتاً سست پویایی‌های امنیتی منطقه‌ای این کشورها پس از فروپاشی شوروی، تلاش داشته است تا با همکاری‌های چندجانبه منطقه‌ای، از شدت آسیب پیرامون موضوع فوق بکاهد. اما تاثیر بی‌ثباتی سیاسی ناشی از رشد عناصر فعال رسمی و یا گروه‌های ستیزه جوی غیر قانونی سلفی، بیش از همکاری درون منطقه‌ای، به افزایش عدم کنترل، واگرایی و از سوی دیگر، ایجاد زمینه دخالت قدرت‌های همسایه این منطقه، در جهت کنترل بی‌ثباتی منجر گردیده است. کشورهای آسیای مرکزی، در کنار فدراسیون روسیه و جمهوری خلق چین، به عنوان قطب‌های امنیتی اطراف منطقه فوق، از فعالیت اسلام رزمنده و بنیادگرا نگران‌اند. در فدراسیون روسیه، وجود اقلیت‌های مسلمان، موجب می‌گردد تا خطرات مربوط به بنیادگرایی اسلامی برای دولت، دارای اولویت قابل توجهی باشد. تراکم بالای جمعیت مسلمان در محدوده شمالی قفقاز، تاتارستان، باشقیرستان و نواحی نزدیک به آسیای مرکزی، نگرانی این کشور را پیرامون رشد احتمالی افراطی‌گری افزایش می‌دهد. «گرچه مسکو در حوزه اوراسیایی، نقش مهم و موثری دارد، اما هراس‌افکنی، میان کشورهای منطقه، از سوی ایالات متحده و اروپا جریان داشته و این موضوع منجر به اقداماتی

^۱ Toshkent group

نظامی می‌گردد که مشکلات را تنها برای مدتی به تعویق می‌اندازند» (سنایی و کرمی، ۱۳۹۸: ۲۶). فدراسیون روسیه، تلاش دارد تا با رشد منطقه‌گرایی در آسیای مرکزی، از رشد این تهدیدات بکاهد. به ویژه، «ایدئولوژی ویروسی سازمان دولت اسلامی (داعش یا داعش) با پاسخ‌های ساده و در دسترس به پرسش‌های دینی (حتی برای افراد کم‌هوش)، که نمونه‌ای از این دست می‌باشد» (Friedrich Ebert Foundation, 2017).

در کنار فدراسیون روسیه، جمهوری خلق چین نیز با تهدید بنیادگرایی مواجه است. این کشور دغدغه‌های سیاسی، امنیتی و از سوی دیگر اقتصادی پیرامون رشد افراط‌گرایی در آسیای مرکزی دارد. در سطح امنیتی، جمهوری خلق چین ناآرامی منتج از افراطی‌گری، در درون کشورهای منطقه فوق را یک معضل می‌داند و نگران آن است که این ناآرامی‌ها موجب گردد تا جدایی‌طلبان، فعالیت‌های خود را بر مناطق با مدیریت ضعیف‌تر گسترش دهند. در بعد اقتصادی، جمهوری‌های تازه استقلال یافته آسیای مرکزی، بخشی از برنامه درازمدت جمهوری خلق چین در اوراسیا می‌باشند؛ به گونه‌ای که در سال ۲۰۱۸ میلادی، جمهوری خلق چین شریک (اقتصادی) نخست کشورهای تاجیکستان، ازبکستان و قرقیزستان بوده است. در مجموع، بنابر آمار منتشرشده در سال ۲۰۱۹ میلادی، سه شریک نخست کشورهای آسیای مرکزی، به ترتیب اتحادیه اروپایی (۲۵ درصد)، چین (۲۱ درصد) و روسیه (۱۸ درصد) بوده‌اند (تیشه‌یار و بخشی، ۱۳۹۹: ۴۲۹-۴۲۸). جمهوری خلق چین همچنین به سرمایه‌گذاری و ارائه کمک‌های مالی در راستای تقویت روابط دوجانبه و چندجانبه در آسیای مرکزی پرداخته است تا به صورت ویژه، به روند توسعه پروژه بزرگ یک کمربند-یک جاده در این منطقه سرعت ببخشد. تنها در مورد قزاقستان، به غیر از وام‌ها و سرمایه‌گذاری‌های مستقیم، دولت چین بیش از ۳۰۰ میلیون دلار کمک بلاعوض به این کشور، برای ساخت جاده‌ها و تامین آب آشامیدنی به مناطق دورافتاده ارائه کرد. می‌توان گفت که اگر حتی هدایای چین در گذشته نوعی اسب تروا نبوده است، همواره تمایل وجود داشته است تا چنین کمک‌هایی، با مواردی مرتبط (برنامه‌های جانبی درازمدت) به این کشورها ارائه شود. بر همین اساس، چین کمک‌های خود را خلاف کمک‌های غرب و نهادهای مالی بین‌المللی، بدون پیش شرط سیاسی ارائه می‌کند. با این حال، پکن از کشورهای دریافت‌کننده کمک‌ها در آسیای

مرکزی انتظار دارد که به سیاست «چین واحد» وفادار باشند و در «مبارزه علیه سه شر: تروریسم، افراطی‌گری و جدایی طلبی» شرکت نمایند (Taliga, 2021). بر اساس مطالب فوق، انگیزه‌های جمهوری خلق چین و فدراسیون روسیه، علیه افراطی‌گری در آسیای مرکزی، می‌تواند شرایط جدیدی را پدید بیاورد که نظم منطقه‌ای مورد انتظار ناشی از رشد ثبات در مجموعه‌های امنیتی، آن را تضعیف می‌کند. فدراسیون روسیه، از ثبات در منطقه خارج نزدیک خود طرفداری می‌نماید و «منافع چین در منطقه (نیز) اساساً (اما نه منحصر) استراتژیک و در جهت حذف تهدیدها است. این موضوعات، منافع مشترکی در آسیای مرکزی را شامل می‌شوند که آن‌ها را تشویق می‌کند تا سیاست‌های خود را در منطقه هماهنگ کنند» (Wilson, 2021: 57).

در مجموع، می‌توان محیط امنیتی شده ناشی از تجزیه طلبی و افراط مرتبط با اندیشه‌های بنیادگرایانه از اسلام سلفی (برای تاسیس خلافت اسلامی در آسیای مرکزی) و سرریز شدن معضلات امنیتی به مرزهای جنوبی آسیای مرکزی را از عوامل موثر در همکاری و هماهنگی فوق میان فدراسیون روسیه و جمهوری خلق چین دانست. مجموعه تحولات فوق، موجب گردیده‌اند تا تقویت اسلام سلفی، در رقابت با اسلام حنفی و به میزان اندکی تصوف در این منطقه جغرافیایی، عواملی باشند که هویت‌های اسلامی و قومی میانه‌رو آسیای مرکزی را در معرض کنشگری‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار دهند. تاثیر اصلی روند فوق، همزمان زمینه‌های منطقه‌گرای را افزایش داده و بر امکان رقابت میان واحد سیاسی در آسیای مرکزی نیز افزوده است.

۴. مجموعه امنیتی آسیای مرکزی و بنیادگرایی سلفی

برقراری رابطه سیاسی فیما بین دولت عربستان سعودی و پنج جمهوری منطقه آسیای مرکزی، موجب اتصال یکی از عناصر فرهنگی و سیاسی اسلامی مهم منطقه خاورمیانه به کشورهای آسیای مرکزی گردید. وجود اکثریت مسلمان اهل سنت، زمینه مناسبی را برای رواج اندیشه‌های سیاسی وهابی در این کشورها فراهم نمود. در این زمینه، عربستان سعودی با ترکیب‌های گوناگونی از اسلام سنی در منطقه آسیای مرکزی مواجه بود. با این وجود که مذهب حنفی در آسیای مرکزی، دارای بیشترین میزان گروندگان است، هر کدام از ۵ جمهوری مستقل شده پس از فروپاشی شوروی سابق، زمینه‌های

گوناگونی از طیف‌های اسلام سنی و ظرفیت ورود آنان به عرصه سیاست را در خود داشتند. ترکیب مذاهب اسلامی در کشورهای منطقه آسیای مرکزی، بر مبنای گرایش به مذهب سنی است و مبتنی بر یک زمینه تاریخی، ارتباط موثری میان مذهب با قومیت که عنصری پیوسته و موثر، حتی بر روی گرایش به اسلام در آسیای مرکزی می‌باشد، در این کشورها وجود داشته است.

بالاترین میزان گرایش مذهبی به اسلام، در کشور قزاقستان و مذهبی حنفی است. «نهاد مذهبی اصلی و تعیین‌کننده در قزاقستان، مفتی‌گری است که برای هماهنگ کردن اعمال مذهبی با دولت کار می‌کند و وظیفه تربیت روحانیون اسلامی را بر عهده دارد» (Cornell et.al, 2018). مفتی‌گری اصلی قزاقستان، مبتنی بر نوعی زمینه آموزشی سنتی، شاگردان را برای آموزش مبانی دینی، به مصر ارسال می‌داشته است، اما رشد بسیار زیادی نیز در تعداد طلبگانی که از آموزش‌های اسلامی در عربستان سعودی بهره می‌گیرند، دیده می‌شود. با این وجود که دولت قزاقستان، بر لائیک بودن حکومت در این کشور تاکید دارد، اما رشد اندیشه‌های مرتبط با اسلام سنی حنفی و بروز خطرات مربوط به افراط-گرایی، این کشور را به واکنش در این زمینه وا داشته است. بر این اساس، این دولت تلاش نموده است تا زمینه مناسب را برای هماهنگی بیشتر دو نهاد سیاست و مذهب سنی در قزاقستان هموار نماید. بر این اساس و «به منظور رعایت و ترویج بیشتر اصول اساسی سیاست دولتی در حوزه دین، طرح جامع اجرای سیاست دولتی در حوزه دین، برای سال‌های ۲۰۲۱-۲۰۲۳ میلادی تدوین شد که منعکس‌کننده جنبه‌های این برنامه، زمینه‌های توسعه بیشتر آن و چالش‌های کلیدی مرتبط است. اجرای مفاد این طرح جامع، تأثیر به‌سزایی در اثربخشی دستگاه‌های دولتی ذیربط و همچنین انطباق فعالان دینی با قوانین جاری خواهد داشت» (Republic of Kazakhstan's Ministry of Justice, 2020).

در کنار قزاقستان، بیش از ۸۰ درصد جمعیت ازبکستان گرونده به دین اسلام و مذهب سنی‌اند و به صورت مشخص، رابطه مذهب و سیاست، میان آن‌ها و دولت ازبکستان، پس از فروپاشی شوروی سابق، افزایش یافته است. وقوع انقلاب اسلامی در ایران،

¹ Laic

فعالیت‌های نظامی مربوط به مجاهدین افغان در مرزهای ازبکستان، سیاست‌های مذهبی دولت شوروی سابق در حمایت از مسیحیت در اواخر این حکومت، ذیل برنامه جامع پروستریکای^۱ شوروی سابق را می‌توان از عوامل این موضوع دانست. در کنار این موارد، لزوم توجه به معادل‌سازی ارزش‌های مورد نیاز فرهنگی و هویتی پس از سقوط شوروی، ازبکستان را به تقویت استفاده عناصر اسلامی سوق داد. رشد زمینه‌های اسلام سیاسی رادیکال در ازبکستان، موجب گردید تا طیف‌های گوناگون مسلمانان، شامل: سلفی‌ها و مسلمانان وهابی، خواستار اشکال مختلف اعمال مذهبی افراطی و یا عمدتاً غیرخشونت‌آمیز، (شامل) تبلیغ در مساجد، زندان‌ها، بیمارستان‌ها، مجالس، بازارها و خانه‌ها، از طریق شبکه‌های اجتماعی شوند» (Poujol, 2017: 237).



کنش عربستان سعودی پیرامون نفوذ در آسیای مرکزی: چالش‌ها و فرصت‌ها برای نظم امنیتی منطقه ای و جایگاه ایران (۱۹۹۱-۲۰۲۱)

تراکم جمعیت مسلمان اهل سنت در تاجیکستان، قرقیزستان و ترکمنستان (۲۰۲۲ و ۲۰۲۱)

کشور	درصد جمعیت مسلمان	پیروان مذهب اهل سنت (درصد)
تاجیکستان	۹۶٪	۹۰٪/۴
قرقیزستان	۸۸٪	>۹۹٪
ترکمنستان	۸۹٪	۹۰٪

منابع:

(World Population Review, 2023)

(U.S. Department of state, 2021)

(Mediaziona Central Asia, 2021)

سرمنشاء تاثیر اساسی رشد رادیکالیسم اسلامی در آسیای مرکزی، از قزاقستان و ازبکستان بوده است و کم و بیش تلاش نموده است تا ظرفیت‌های گسترش خود را در تاجیکستان، قرقیزستان و ترکمنستان نیز فعال نماید. این تاثیر، مبتنی بر سرریز مشکلات امنیتی از همسایگان این ۳ کشور و عاملی منفی در تشدید جزمیت رویکرد اسلام سنی،

^۱ Perestroika

در بخش غربی کشورهای منطقه آسیای مرکزی است. رویکردهای سیاسی و حاکمیتی، در مواجهه با تسری این اندیشه‌ها نیز بیشتر تهاجمی بوده‌اند. پیرامون تاجیکستان، «افراط‌گرایی اسلامی و فعالیت‌های شورشیان طالبان در مناطق مرزی، تهدیدی برای ثبات بوده‌اند. بر همین اساس، تاجیکستان برای محدود کردن آزادی‌های سیاسی، رسانه‌ای و مذهبی تلاش نموده و بر خطر افراط‌گرایی اسلامی در جهت کنترل مخالفان خود تاکید می‌نماید. از ماه مارس سال ۲۰۱۵ میلادی، حزب رنسانس اسلامی تاجیکستان^۱، به عنوان یک سازمان تروریستی، از فعالیت منع شده است و در سال ۲۰۱۶ میلادی نیز چندین رهبر حزبی آن، به حبس‌های دراز مدت محکوم شده‌اند (Ministry for Foreign Affairs of Finland, 2018). در کنار تاجیکستان، خطر افراط‌گرایی اسلامی، مبتنی بر اندیشه‌های سلفی، در قرقیزستان و ترکمنستان، این دو کشور را به مانند قزاقستان و ازبکستان، به برنامه‌ریزی در جهت طرح‌های جامع مبارزه با آثار آن واداشته است. مهم‌ترین آماج تمامی این طرح‌ها، کنترل ورودی‌های اندیشه سلفی‌گری، طالبان و البته در نهایت، داعش در آسیای مرکزی است. در این زمینه، باید به قوانین مربوط به مقابله با فعالیت‌های افراطی (شامل: حمایت از حقوق و آزادی‌های انسان و شهروند، مبانی نظام قانون اساسی، تضمین تمامیت و امنیت در اصول اساسی) (۲۰۰۵ م.)، در قرقیزستان و قانون «در مورد مبارزه با افراط‌گرایی» (چارچوب قانونی برای مبارزه با فعالیت‌های افراطی) (۲۰۱۸ م.) در تاجیکستان» (Safarova, 2018: 709 and 710) اشاره کرد.

در ترکمنستان، با وجود تضمین آزادی‌های قانونی برای ادیان و حمایت از دین اسلام به عنوان یکی از عناصر وحدت‌بخش و تاریخی ملت ترکمن، اما تحت عنوان حکومت سکولار یا غیر دینی این کشور، دگرگونی‌هایی در شیوه برخورد قانونی با افراطی‌گری اسلامی مشاهده می‌گردد. عطف به قانون تصویب شده در سال ۲۰۱۶ میلادی و «بر اساس ماده ۱۸ آن، تشکل‌های مذهبی از دولت جدا بوده و دخالت آن‌ها در امور کشور و انجام وظایف دولتی ممنوع شده است. این اصل، مانع از دخالت دولت در کار

¹ Islamic Renaissance Party of Tajikistan

نهادهای مذهبی نمی‌شود. در واقع، دولت در اداره فعالیت‌های مذهبی و نهادهایی که عبادت را سازماندهی می‌کنند، مشارکت مستقیم دارد» (Clement, 2020). بر اساس مقدمات فوق، از یک سو ورود و یا تداوم خشونت‌های قومی مناطقی مانند افغانستان و از سوی دیگر، برخورد نسبتاً سخت و مبتنی بر ابزارهای قانونی جبری، موجب ناامن سازی، رشد بالقوه توانایی نضج‌گیری جنبش‌های افراطی و در عین حال، افزایش توانایی اقناع‌سازی شهروندان توسط این گروه‌ها گردیده‌اند. وجود این عوامل، همراه با حمایت‌های فرماندهی‌های فرامنطقه‌ای از اندیشه‌های سیاسی جبری از اسلام سنی توسط عربستان سعودی، معضل مبارزه با رشد افراطی‌گری در آسیای مرکزی را تشدید نموده است.

۴۹

۵. نقش عربستان در رشد افراط‌گرایی اسلامی در منطقه آسیای مرکزی

ترویج سلفی‌گری سعودی در جمهوری‌های ۵ گانه آسیای مرکزی، در جمهوری‌های آسیای مرکزی، دارای ابعاد گوناگونی است. عربستان سعودی، جهت ترویج سلفی‌گری در دو حوزه «دیپلماسی عمومی» و «دیپلماسی فرهنگی»، در مناطق مختلف و از جمله آسیای مرکزی بسیار فعال است» (دهشیری و دیگران، ۱۳۹۹: ۴۵۱). در این مسیر، عربستان سعودی به محلی مهم برای تربیت بدنه مذهبی مفتیان در منطقه آسیای مرکزی تبدیل شده است. با این وجود که علمای وهابی، نقشی اساسی را در شکل‌گیری این کشور و نوع ایدئولوژی شکل‌دهنده به سیاست خارجی آن دارند، اما مذهب تسنن در عربستان سعودی حنفی است و جمعیت حنفی مذهب در کشورهایمانند قزاقستان، بیشترین تعداد دانش‌آموختگان خود را به مدارس دینی در عربستان ارسال می‌کنند. در کنار آنان، شخصیت‌های حقیقی و بنیادهای ثروتمند حاشیه خلیج فارس، از مردم آسیای مرکزی برای تحصیل در مؤسسات سلفی استقبال نموده و از آنان حمایت مالی نیز کرده‌اند. افراد فوق، از این محل‌ها به خانه باز می‌گردند و به گسترش ایدئولوژی سلفی (در آسیای مرکزی) یاری می‌رسانند. به نظر می‌رسد که روند فوق در مؤسسات آموزشی اسلامی در آسیای مرکزی، از جمله مؤسسات تحت پوشش دولت ازبکستان اتفاق افتاده است (Cornell, 2021, p 26).



کنش عربستان
سعودی پیرامون
نفوذ در آسیای
مرکزی: چالش‌ها و
فرصت‌ها برای نظم
امنیتی منطقه ای و
جایگاه ایران
(۱۹۹۱-۲۰۲۱)

از سوی دیگر، سازمان‌های مذهبی تحت پوشش حمایتی حزب رنسانس اسلامی تاجیکستان، توسط دولت عربستان سعودی حمایت می‌شوند. عربستان سعودی، برای تاثیرگذاری بیشتر بر روند رشد هسته‌های مذهبی و سیاسی مطبوع خود، تلاش می‌نماید تا کارگزارانی رسمی را نیز در مناطق فوق به کار بگیرد. با این وجود که گروه‌های سلفی وابسته به عربستان سعودی، به مفاهیم بنیادین سیاسی، مانند تحزب باورمند نیستند، اما از ظرفیت سازمان‌هایی مانند حزب رنسانس اسلامی در آن کشور، برای پیشبرد اهداف منطقه‌ای، همگام با فعالیت‌ها در دیگر کشورهای آسیای مرکزی سود می‌برند. حمایت‌های سیاسی فوق، موجب گردیده اند تا رفتارهای احزاب نزدیک به حزب فوق، به نوعی نگرانی در فرایند صحیح تحزب تاجیکستان تبدیل گردد. این تحلیل، بیشتر از «سوی مخالفان سیاسی اسلام‌گرایان، هم در طیف‌های سیاست‌مداران سکولار و هم روشنفکران سکولار تاجیک، که همواره در مورد اعتدال حزب رنسانس اسلامی، تردید داشته‌اند، مطرح می‌گردد. موضع بیشتر رهبران حزب فوق، بنیادگرایی تاکتیکی‌ای است که به دنبال جایگزینی قوانین سکولار با شریعت می‌باشد، و ادعا می‌کند که این امر، باید به تدریج اجرا گردد» (Kalonov, 2020: p134-136)

حمایت از رشد سلفی‌گری سعودی در قزاقستان با ازبکستان متفاوت است، زیرا در این کشور با قرائتی بومی از سلفی‌گری روبه‌رو هستیم. اسلام سلفی ازبکستان، در تلاش است تا آثار منفی تبلیغات عربستان سعودی را در رقابت با اسلام حنفی و سلفی بومی در این کشور کنترل کند. سلفی‌گری در قزاقستان، عموماً دارای رویه‌ای مسالمت‌آمیز نسبت به حنفی‌گرایی است. «سلفی‌گری آرامش‌گرای قزاقستان، به دور از موضع‌گیری سیاسی رسمی، به عنوان یک اپوزیسیون سیاسی که از اسلام «اصیل»، برابر یک رژیم «بدخواه» حمایت می‌کند، رژیم سکولار قزاقستان را مشروع می‌داند. اکثریت سلفی‌ها در قزاقستان، مظهر این آرام‌گرایی سنی هستند و بر این باورند که از حاکمان باید اطاعت گردد، هر چند که بی‌دین باشند» (Biard, 2019). اما این نوع از نگرش، در حال دگرگونی می‌باشد، زیرا گرایش‌هایی از سلفی‌گری سعودی، مانند سلفی‌گری مدخالی، در حال رشد میان طبقات شهری قزاقستان می‌باشد. این نگرش، گرچه دارای تظاهرات آنی بنیاد گرایانه نیست، اما اهدافی مرتبط را در درازمدت دنبال می‌نماید.

عرصه تبلیغات سلفی عربستان سعودی در ازبکستان، با تاجیکستان و قزاقستان متفاوت است. در این دو کشور، ابعاد تبلیغات، تنها با سیاست‌های حاکمیتی داخلی پس از فروپاشی شوروی برهمکنش دارد، اما در ازبکستان، آثار برنامه حاکمیتی مذهبی شوروی نیز عاملی موثر بر آن محسوب می‌گردد. پیش از استقلال سیاسی ازبکستان، دولت شوروی سابق تلاش می‌نمود تا از وجود عناصر رادیکال سلفی در این کشور، در برابر حنفی مذهب‌ها دفاع نموده و آن را به عنوان اهرمی در جهت هدایت بعد سیاسی اندیشه‌های اسلامی به کار ببرد. این موضوع، موجب گرایش‌های گریز از مرکز سیاسی ازبکستان گردید که مهم‌ترین آن‌ها، فعالیت نیروهای سلفی در دره فرغانه^۱ بود. پس از استقلال ازبکستان، رشد سلفی‌گری موجب شد تا مذهب حنفی (در کنار ماتریدی‌گری^۲) در این کشور، تحت فشار رشد وهابی‌ها قرار بگیرد. در پی نبردهایی که در نتیجه رشد جریان‌های اسلام‌گرا و سرریز ناآرامی‌های مشابه از تاجیکستان به ازبکستان روی داد، جریان‌های سلفی نهایتاً تضعیف شدند، اما فعالیت آن‌ها در غالب گروه‌هایی مانند حزب التحریر اسلامی و جماعت تبلیغ ادامه یافته است. در این میان، عربستان سعودی از زمینه‌های موجود سلفی‌گری در این کشور سود برده و حزب التحریر، مستقیماً تحت حمایت عربستان سعودی قرار دارد تا اندیشه‌های مربوط به خلافت اسلامی را در ازبکستان رشد دهد. مبتنی بر فعالیت‌های این احزاب، تعریف سیاسی سلفی‌گری مورد حمایت عربستان سعودی در ازبکستان به این صورت می‌باشد: «یک جنبش جهانی اسلام‌گرا، عموماً از خشونت اجتناب می‌کند، اما هدفش ایجاد خلافتی است که همه مسلمانان را متحد کند که در آن جایی برای بی‌ایمانان نباشد» (Cornell and Zenn, 2018). حمایت عربستان سعودی، زمینه‌های فعالیت حزب التحریر ازبکستان، در جمهوری قرقیزستان را نیز فراهم نمود. حزب التحریر جمهوری قرقیزستان، تلاش دارد تا در کنار

^۱ دره یا وادی فرغانه (به فارسی تاجیکی: водии Фарғона) دره‌ای در آسیای مرکزی است. این دره بر مسیر سیردریا واقع شده که از جنوب خاوری به سین‌کیانگ چین محدود است و اطراف آن را کوه‌های تیان‌شان فرا گرفته. تنش‌ها و چالش‌های بین‌قومیتی در دره فرغانه ریشه تاریخی دارد.

^۲ ماتریدی یکی از چهار مذهب کلامی اهل سنت است که از نظر جهان‌بینی و دیدگاه عملی بیش‌ترین نزدیکی را با اشاعره دارند. بنیان‌گذار آن ابو منصور ماتریدی (ابومنصور محمد بن محمد بن محمود ماتریدی انصاری حنفی ملقب به امام الهدی) است.

ترکمنستان، چتر گسترش خلافت را در غرب آسیای مرکزی و همچنین جنوب آن گسترش دهند و اتصال زمینی نیروهای ارهابی و سلفی را با گروه‌های مورد تایید و حمایت عربستان سعودی در شمال افغانستان، در کنار طالبان هموار نمایند. باید تاکید شود که جمهوری قرقیزستان مانند تاجیکستان از مشکلات ناشی از فقر رنج می‌برد و بدین وسیله مستعد رسوخ افکار تکفیری عربستان سعودی است. در قرقیزستان حتی شاهد پرداخت ماهیانه به پیروان وهابیت هستیم. این امر، زمینه جذب مردم گرفتار در مشکلات اقتصادی و اجتماعی منطقه به این جریان را افزایش داده است. بر همین اساس، اعزام مبلغ مذهبی وهابی سعودی در سال‌های اخیر به قرقیزستان رشد به قابل ملاحظه‌ای داشته است (دهبانه و مرادی کلارده، ۱۳۹۷: ۱۹۱ و ۱۸۹).

در ترکمنستان، سلفی‌گری سعودی با رقابت میان اسلام سلفی، اسلام حنفی (مورد تایید دولت) و البته تصوف رو به رو می‌باشد. هر دو طیف اسلام حنفی و همچنین تصوف ترکمنی، مانند دیگر قرائت‌ها از اسلام در آسیای مرکزی، دارای عناصر محافظه کارانه‌اند و برابر اسلام تجدیدنظر طلب سلفی مورد حمایت عربستان سعودی قرار دارند. در این زمینه، عربستان سعودی سرمایه‌گذاری‌هایی در ساخت مساجد و مراکز فرهنگی به انجام رسانده است تا اسلام سلفی را برابر قرائت سنتی حنفی، که با عناصر فرهنگ ترکی با بنیادهای فرهنگی عثمانی در این کشور همراه بوده است، رشد دهد. به دلیل موجودیت سه عامل تاریخی ملیت «ترکی»، متاثر از یادگارهای فرهنگی امپراطوری عثمانی در ترکمنستان و کم‌تر بودن مزیت رقابتی در برابر ترکیه (که به سرمایه‌گذاری فرهنگی در ترکمنستان می‌پردازد)، توان رقابتی عربستان سعودی در ترویج سلفی‌گرایی سعودی کمتر است. این موضوع، با رویکردهای ضد سلفی‌گری در ترکمنستان نیز تشدید گردیده است، زیرا خطر نفوذ افراط‌گرایی، دولت ترکمنستان را به تدریج، به اتخاذ روش‌های هماهنگ برای مقابله با اسلام سلفی واداشته است. در این حوزه، دغدغه‌های فرامنطقه‌ای نیز موجب این واکنش دولت ترکمنستان بوده‌اند. نفوذ افراطی‌گری در جنوب آسیا، پیوستن برخی افراد در آسیای مرکزی و به ویژه ترکمنستان به دولت اسلامی خودخوانده عراق و شام^۱، شرکت در «جهاد» و انجام فعالیت‌های تروریستی به عوامل ناامن و

^۱) ISIS (Islamic State of Iraq and the Levant

ناپایدار در توسعه ساخت و ساز کمر بند و جاده تبدیل گردیده است (Liu and Jiang, 2020) بر همین اساس، در گذار از امضاء قانون مبارزه با تروریسم در سال ۲۰۱۳ میلادی، «رئیس جمهور ترکمنستان، بردی محمداف در مبارزات انتخاباتی فوریه ۲۰۱۷ میلادی، وعده داد که ترکمنستان با قزاقستان در این مورد همکاری خواهد کرد» (Liu and Jiang, 2020).

کنترل دولت ترکمنستان، نسبت به دیگر دولت‌های آسیای مرکزی، پیرامون مبارزه با اسلام سلفی و افراط‌گرا بیشتر است و حاکمیت این کشور نیز به روابط مسالمت‌آمیز به نهاد مذهب اهمیت می‌دهد. اما باید به این مورد توجه نمود که همکاری‌های سیاسی حول ضد افراط‌گرایی، پس از درگیری طالبان و نیروهای مرزی ترکمنستان افزایش یافته و این کشور تلاش دارد تا دروازه‌های خود را بر گروه‌های ستیزه‌جوی افراطی از افغانستان بسته نگاه دارد. این اقدامات در دو بعد مبارزه با منابع مالی افراطی‌گرایی و تعیین راهبرد مقابله صورت می‌گیرد. در تاریخ ۱۳ تا ۱۵ سپتامبر، دفتر سازمان ملل متحد در امور مواد مخدر و جرم^۱ به طور مشترک با دفتر مبارزه با تروریسم سازمان ملل متحد^۲ و مرکز منطقه‌ای سازمان ملل متحد برای دیپلماسی پیشگیرانه برای آسیای مرکزی^۳ و همچنین با مشارکت با سرویس اطلاعات مالی و وزارت دارایی و اقتصاد ترکمنستان یک دوره سه روزه را برای نمایندگان مقامات حقوقی، مالی، انتظامی و قضایی در عشق‌آباد ترکمنستان برگزار کردند. اداره اجرایی کمیته مبارزه با تروریسم در مورد اجرای اقدامات با هدف تقویت واکنش نهادهای مجری قانون و سایر ساختارهای دولتی مرتبط با مقابله با تهدیدات تروریسم و افراط‌گرایی، دریافت کرد (UNODC, 2023). در جلسه توجیهی پیرامون کمک‌های فنی احتمالی به ترکمنستان در اجرای استراتژی برنامه اقدام ویژه ملی در مبارزه با افراط‌گرایی (۲۰۲۴-۲۰۲۰ م.)، آژانس‌ها و شرکاء سازمان ملل متحد، اطلاعاتی را در مورد کمک‌های فنی احتمالی در حوزه امنیت سایبری و فناوری‌های جدید ارائه کردند. مقابله با سفر تروریست‌ها؛ سامانه‌های پهبادی؛ امنیت و مدیریت مرزها و بیومتریک؛ سازوکار هماهنگی بین سازمانی ملی؛ حفاظت از

¹ The United Nations Office on Drugs and Crime (UNODC)

² The United Nations Office of Counter-Terrorism (UNOCT)

³ United Nations Regional Centre for Preventive Diplomacy for Central Asia (UNRCCA)

اهداف آسیب پذیر در برابر حملات تروریستی از موارد مطروحه مرتبط با این طرح بود (UNOCD, 2023).

۶. بنیادگرایی سعودی و تهدید امنیتی در آسیای مرکزی: بعد منطقه‌ای

وجود تهدید بنیادگرایی مذهبی در آسیای مرکزی، موجب ایجاد مخاطره امنیتی برای تمامی بازیگران دولتی در این منطقه می‌باشد. این مخاطره، بر تمایلات تجزیه طلبانه و میل به حاکمیت خلیفه‌گرایانه متمرکز می‌باشند. بر این اساس، حمایت عربستان سعودی از بنیادگرایی، موجب تقویت عامل تهدید برای برخی از بازیگران به شکل نامتوازن می‌باشد. افزایش تهدید بنیادگرایی با دخالت عربستان سعودی، رشد بی‌سامانی منطقه‌ای را در پی دارد. این هرج و مرج و آناارشی، مبتنی بر رشد میزان تراکم رقابت و خصومت در منطقه آسیای مرکزی است. تاثیر آناارشی، موجب می‌شود تا کشورها توانایی منفردانه‌ای در حل معضل بنیادگرایی نداشته باشند. عدم قطعیت فوق، باعث افزایش بیش از پیش خصومت‌های پدید آمده بر اثر عامل فوق می‌شود. علاوه بر موارد فوق، حمایت عربستان سعودی از بنیادگرایی موجب می‌گردد تا تفاوت‌های موجود پیرامون نظر کشورهای آسیای مرکزی پیرامون بنیادگرایی و عناصر عموماً بومی در آنها، گروه‌هایی از مخالفان و موافقان را پدید بیاورد.

لزوم مواجهه با ترویج افراطی‌گری عربستان سعودی در آسیای مرکزی، بازیگران مذهبی و سیاسی این منطقه را به دو گروه تقسیم کرده است. در این حوزه، اسلام حنفی برابر اسلام سلفی قرار گرفته است. در آسیای مرکزی، بازیگران مذهبی موثر بر نهاد حاکمیت، حنفی (اکثریت) و یا احمدی و ماتریدی مذهب می‌باشند (بسیار در اقلیت). این بازیگران، به صورت متمرکز بر سیاست مذهبی مدارا با ساختارهای سیاسی در آسیای مرکزی تاکید دارند و همانگونه که پیش از این نیز بیان گردید، دولت‌های این منطقه تلاش دارند تا با حمایت از آنان و به ویژه استفاده از عناصر نوگرای مذهبی و کنترل مذهبیون سلفی بومی، به ثبات بیشتر سیاسی و امنیتی دست یابند. در این میان، صحنه متضادی از طرفداران وضع موجود به رهبری دولت‌های سکولار در آسیای مرکزی پدید آمده است که خواهان تقویت نظم امنیتی منطقه‌ای و مقابله با افراط‌گرایی مذهبی در کنار دیگر عوامل امنیتی‌ساز هستند. بزرگ‌ترین عرصه همکاری دولت‌های آسیای مرکزی در

این زمینه نیز سازمان همکاری شانگهای می‌باشد. چین، فدراسیون روسیه و دولت‌های منطقه آسیای مرکزی، برای نیل به صلح و ثبات منطقه‌ای و رویارویی با چالش‌های ناشی از گسترش «تروریسم، جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی در آسیای مرکزی و سین‌کیانگ» (Wang and Kong, 2019: 70-71) ذیل این سازمان همکاری دارند.

۷. پیامدها برای جایگاه ایران

همکاری برای حفظ نظم امنیتی در آسیای مرکزی، با اقدامات مثبت و منفی همسایگان دنبال می‌شود. در حقیقت، علاوه بر تاثیر تبلیغات مذهبی عربستان سعودی در آسیای مرکزی، کشورهایی مانند ترکیه، پاکستان نیز بر تقویت پیوندهای هویتی، برای رشد زمینه‌های همکاری مورد نظر خود با آسیای مرکزی پرداخته‌اند، اما رویکرد هر کدام از این بازیگران پیرامون کنشگری در حوزه فوق، با یکدیگر متفاوت است. در حالی که ترکیه بر تقویت پیوند هویتی اسلامی و عثمانی‌گری با کشورهای ترک زبان آسیای مرکزی تاکید دارد، پاکستان به دنبال تقویت مراودات، در جهت حمایت از گروه‌های هویت‌طلب اسلامی است. هند نیز بیش از پیش انگیزه‌های اقتصادی را در حوزه فوق دنبال می‌کند. کنش موثر عربستان سعودی، با حمایت مستقیم از جریان‌های مانند حزب التحریر (در ازبکستان و جمهوری قرقیزستان) و حزب رنسانس اسلامی (در تاجیکستان)، ابزارهای سیاسی برای اثرگذاری بر حاکمیت‌های سکولار را بیش از پیش برای این کشور پدید آورده است. عواملی مانند تفاوت در نگاه به بنیادگرایی در سطح اجتماعی، میزان لایسیتیته و یا سکولاریسم، میزان درگیری با نیروهای بنیادگرا و میزان فشار خارجی برای مقابله با بنیادگرایی را از عوامل موثر بر روی میزان همگرایی و واگرایی دانست. رقابت، امنیتی‌سازی و تشدید عدم قطعیت‌های مرتبط با مولفه امنیت در آسیای مرکزی، تاثیرگذاری بازیگران حامی ثبات به مانند ایران را در این مواجهه، دارای اهمیت نموده است. ایران، دارای هویت شیعی و ایرانی، برابر با هر دو هویت سنی سلفی-وهابی عربستان سعودی است. اما نزدیکی هویتی و فرهنگی این کشور با واحدهای سیاسی جنوبی آسیای مرکزی (ترکمنستان و تاجیکستان)، به شکل مستقیم عنصر رقابت را پررنگ می‌نماید. با این وجود که قرائت مذهبی شکل‌دهنده به هویت در ایران، به عنوان کشوری شیعه، با اسلام حنفی، به عنوان رقیب اسلام سلفی در منطقه آسیای مرکزی

همخوانی ندارد، اما وجود بنیادهای متساهل سیاسی در دو مذهب حنفی آسیای مرکزی و شیعه در ایران، پیرامون شکل حکومت مطلوب، ساختارهای سیاسی حاکم و به ویژه نیاز به مقابله با تهدید افراطی‌گری مورد حمایت عربستان سعودی، زمینه‌های نوعی همکاری تاکتیکی در این زمینه را فراهم می‌آورند. علاوه بر مورد فوق، به این دلیل که در آسیای مرکزی، با دو عامل مرتبط هویتی مذهب و قومیت (هویت فرهنگی) رو به رو هستیم، ظرفیت‌های فرهنگی و سیاسی هویت اسلامی و ایرانی متساهل‌تر در عرصه عملی، برابر فرهنگ عمدتاً خارجی سلفی و اراهایی با ریشه‌های عربی، که تندرو و قشری است، امکان توسعه منافع سیاسی و اقتصادی ایران در آسیای مرکزی را فراهم می‌آورد.

از سوی دیگر روند کنش عربستان سعودی برای نفوذ در آسیای مرکزی، شامل: حمایت مستقیم از جریاناتی مانند حزب التحریر (در ازبکستان و جمهوری قرقیزستان) و حزب رنسانس اسلامی (در تاجیکستان)، بوده که ابزارهای سیاسی لازم را برای اثرگذاری بر حاکمیت‌های سکولار عمدتاً این منطقه پدید آورده‌اند. رشد بنیادگرایی و تقویت فعالیت گروه‌های بنیادگرای مذهبی، مانند القاعده و طالبان در آسیای مرکزی، زمینه همکاری عمل‌گرایانه این دولت‌ها و ایران را فراهم کرده است. ایران، در کنار قرابت جغرافیایی و دارا بودن پیوندهای فرهنگی با آسیای مرکزی، به همکاری‌های سیاسی رسمی با دولت‌های آسیای مرکزی متمرکز بوده و نسبت به دیگر بازیگران، برنامه موثری برای نزدیکی با گروه‌های کنشگر امنیتی ساز نداشته است.

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر، به بررسی تاثیر بنیادگرایی افراطی به عنوان یک متغیر مستقل بر روی میزان تنش و ثبات در چارچوب امنیت منطقه ای در آسیای مرکزی پرداخت. برای نیل به این منظور، بر روی کنش عربستان سعودی در تقویت بنیادگرایی سلفی در آسیای مرکزی، تاکید شد و اثرگذاری عامل امنیت‌زدای بنیادگرایی سعودی بر روی منطقه‌گرایی امنیتی مورد بررسی قرار گرفت. در نهایت نتیجه‌گیری مقاله بیان می‌دارد که عربستان سعودی با حمایت از تفکر وهابی خواهان گسترش اندیشه خلافت در میان اکثریت سنی حنفی مذهب آسیای مرکزی، موجب امنیتی‌سازی و تشدید دوگانه رشد و یا تضعیف منطقه-

گرایی امنیتی در آن شده است. بر این اساس از یک سو، به دلیل تشدید مولفه تهدید، امکان رشد منطقه‌گرایی امنیتی افزایش یافته و از سوی دیگر، زمینه رقابت خصومت آمیز میان واحدهای سیاسی در آسیای مرکزی بیشتر شده است. این در حالی است که گسترش روندهای همکاری منطقه ای در آسیای مرکزی مستلزم غیرامنیتی شدن مسائل و موضوعات مرتبط با منافع بازیگران درون منطقه ای و برون منطقه ای دخیل است، لذا بازیگری عربستان سعودی به عنوان عضو برون منطقه ای دخیل در این مجموعه امنیتی منطقه ای در جهت تقویت تنش های سیاسی و مزمن شدن افراط گرایی اسلامی است. این امر به سبب کیفیت ابزاری است که عربستان سعودی جهت نفوذ در این منطقه مورد بهره برداری قرار می دهد ابزاری که به بنیادگرایی اسلامی موسوم است. که در جهت تضعیف جایگاه ایران در این منطقه همجوار است.

۵۷



کنش عربستان
سعودی پیرامون
نفوذ در آسیای
مرکزی: چالش ها و
فرصت ها برای نظم
امنیتی منطقه ای و
جایگاه ایران
(۱۹۹۱-۲۰۲۱)

منابع

- تیشه یار، ماندانا، تویسرکانی، مجتبی. (۱۳۹۶). مبنای ژئوپلیتیک راه ابریشم آمریکا و چین در آسیای مرکزی. فصلنامه علمی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۲۳(۹۹)، ۱-۲۵.
- حسنی چنار، سیده رقیه، آجیلی، هادی. (۱۴۰۰). کاربرست نظریه‌ی امنیتی سازی بری بوزان در تحلیل بنیادگرایی اسلامی، ۲ (۴) . ۲۷-۴۶.
- دهشیری، محمدرضا، قربانی، سعید، حکمت‌آرا، حامد (۱۳۹۹) بررسی مقایسه‌ای سعودی در عربستان و ایران فرهنگی دیپلماسی آسیای مرکزی، مطالعات اوراسیای مرکزی، (۲) ۱۳، ۴۶۴-۴۴۵.
- روحي‌دهبنة، مجيد، مرادي‌كلارده، سجاد. (۱۳۹۷). واكوي نقش عربستان سعودی در گسترش تروریسم تكفیری در آسیای مرکزی با تمرکز بر رویکرد رسانه‌ای، پژوهشنامه رسانه بین‌الملل، (۱) ۳، ۲۰۲-۱۷۹.
- سنایی، مهدی، کرمی، جهانگیر. (۱۳۹۸). روند چند جانبه‌گرایی بین‌المللی و راهبرد شرقی ایران. فصلنامه سیاست خارجی، (۲) ۳۳، ۵۶-۲۵.
- کرمی، جهانگیر، کریمیان، علیرضا. (۱۳۹۶). ایران و آسیای مرکزی روندهای منطقه‌ای و چشم انداز آینده. سیاست جهانی، (۳) ۶، ۴۱-۶۳. doi: 10.22124/wp.2017.2659
- کولایی، الهه، کاویانی‌فر، پیمان. (۱۳۹۸). ایران و ترکیه در مجموعه امنیتی آسیای مرکزی. فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، (۴۵) ۱۲، ۱۴۱-۱۶۹. doi:
- DOR:20.1001.1.24234974.1398.12.45.6.7
- کولایی، الهه، کوزه گر کالجی، ولی. (۱۳۹۸). دلایل و زمینه های غیر امنیتی سازی در آسیای مرکزی. فصلنامه علمی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، (۱۰۶) ۲۶. ۱۵۷-۱۲۱.

مجیدی، محمد رضا، باقری، یوسف. (۱۳۹۷). زمینه‌های پیدایش و رشد افراطی‌گری در آسیای مرکزی: مطالعه موردی داعش. فصلنامه علمی تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۱۰(۳۴)، ۱۵۱-۱۷۵.

- Al-Nouimat, Abdalla & Jakubayeva, S. & Zhekenov, Duman & Azimov, A.. (2019). Geopolitical interest of Iran in Central Asia. *KazNU BULLETIN. International relations and international law series.* 87. 10.26577/IRILJ.2019.v87.i3.04.
- Biard, Aurélie. (2019). "WE PRAY FOR OUR PRESIDENT": SAUDI-INSPIRED LOYALIST SALAFISM AND THE BUSINESS SECTOR IN KAZAKHSTAN. *Berkley Center for Religion, Peace, and World Affaire.* January. at: https://www.brookings.edu/wp-content/uploads/2019/02/FP_201901_Biard-paper-on-Salayism-in-Kazakhstan.pdf
- Buzan, Barry; Waever, Ole (2009). Macrosecuritisation and security constellations: reconsidering scale in securitisation theory. *Review of International Studies*, 35(2), 253-. doi:10.1017/s0260210509008511
- Buzan, Barry; Waever, Ole. (2003). *Regions and Powers: The Structure of International Security.* Cambridge University Press
- Clement, Victoria. (2020). Religion and the Secular State in Turkmenistan. *Central Asia-Caucasus Institute & Silk Road Studies Program.* June. at: [https://silkroadstudies.org/resources/Religion_and_the_Secular_State_in_Turkmenistan - Victoria Clement - 10.06.20 - FINAL wCover.pdf](https://silkroadstudies.org/resources/Religion_and_the_Secular_State_in_Turkmenistan_-_Victoria_Clement_-_10.06.20_-_FINAL_wCover.pdf)
- Cornell, Svante E., Starr, S. Frederick. Tucker, Julian (2018). Religion and the Secular State in Kazakhstan. *Central Asia-Caucasus Institute & Silk Road Studies Program.* April. at: <https://www.silkroadstudies.org/resources/pdf/SilkRoadPapers/2018-04-Kazakhstan-Secularism.pdf>
- Cornell, Svante E., Starr, S. Frederick. Tucker, Julian (2018). Religion and the Secular State in Kazakhstan. *Central Asia-Caucasus Institute & Silk Road Studies Program.* April. at: <https://www.silkroadstudies.org/resources/pdf/SilkRoadPapers/2018-04-Kazakhstan-Secularism.pdf>
- Cornell, Svante E., Zenn, Jacob (2018). Religion and the Secular State in Uzbekistan. *Central Asia-Caucasus Institute & Silk Road Studies Program.* June. at: <https://www.silkroadstudies.org/resources/pdf/SilkRoadPapers/2018-06-Uzbekistan-Secular.pdf>
- Cornell, Svante E., Zenn, Jacob (2018). Religion and the Secular State in Uzbekistan. *Central Asia-Caucasus Institute & Silk Road Studies Program.* June. at: <https://www.silkroadstudies.org/resources/pdf/SilkRoadPapers/2018-06-Uzbekistan-Secular.pdf>
- Friedrich Ebert Foundation (2017). CENTRAL ASIA: A SPACE FOR "SILK DEMOCRACY". ISLAM AND STATE. June. at: <https://library.fes.de/pdf-files/bueros/kasachstan/14105.pdf>

- Kalonov, Adzhamsho. (2020). Political Islam and Democracy: Moderation and the Islamic Revival Party of Tajikistan?. The Otto von Guericke University Magdeburg, Magdeburg,.
- Liu, Jiang., Yong, Yanyang (2020). The causes of extremist forces in Central Asia and their risk prevention from the perspective of "One Belt, One Road". February. at: <http://www.sara.gov.cn/zjyj/323792.jhtml> (in Chinese)
- Ministry for Foreign Affairs of Finland (2018). Country Strategy for Development Cooperation: THE KYRGYZ REPUBLIC AND TAJIKISTAN 2018–2021. April. at: <https://um.fi/documents/35732/0/Kyrgyz+Republic+Tajikistan+Country+Strategy.pdf/50f58a2a-c8ef-a976-9b4c-ff66739b7bcb>
- Poujol, Catherine (2017). CENTRAL ASIA GOING ON “HYPER-ISLAMISATION”: BETWEEN ADAPTATION TO POST-COMMUNISM AND CALLS FOR RADICALIZATION. *Revista UNISCI*, (45),235-245.[fecha de Consulta 21 de Febrero de 2022]. ISSN: 2386-9453. Disponible en: <https://www.redalyc.org/articulo.oa?id=76754084011>
- Pour Esmaeili, N., Salimi, H., & Dehghani Firoozabadi, S. J. (2020). Critical and Complementary Review of Buzan’s Regional Security Complex Theory in The Wake of Middle East Regional system. *Geopolitics Quarterly*, 16(60), 135-164.
- Republic of Kazakhstan's Ministry of Justice (2020). About approval of the complex plan on implementation of the state policy of the Republic of Kazakhstan in the field of religion for 2021-2023. December 31. at: <https://adilet.zan.kz/kaz/docs/P2000000953> (in Kazakh)
- Republic of Kazakhstan's Ministry of Justice (2020). About approval of the complex plan on implementation of the state policy of the Republic of Kazakhstan in the field of religion for 2021-2023. December 31. at: <https://adilet.zan.kz/kaz/docs/P2000000953> (in Kazakh)
- Safarova, Gandzhina Faridunovna. (2018). Mechanisms for overcoming Islamic extremism in the context of ensuring the national security of the countries of Central Asia. *Post-Soviet Studies*. 1(7). 707-717. at: <https://www.gcedclearinghouse.org/sites/default/files/resources/190250rus.pdf> (in Russian)
- Stepka, M. (2022). The Copenhagen School and Beyond. A Closer Look at Securitisation Theory. In: Identifying Security Logics in the EU Policy Discourse. IMISCOE Research Series. Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-030-93035-6_2
- Taliga, Harri. (2021). Belt and Road Initiative in Central Asia. The International Trade Union Confederation (ITUC). March 16. at: https://www.ituc-csi.org/IMG/pdf/belt_and_road_initiative_in_central_asia.pdf
- Umarov, Akram (2020), Central Asia: construction of the new regional Security complexe?, *The Journal of Cross-Regional Dialogues/La Revue*

- de dialogues inter-régionaux* [En ligne], 2020 Special Issue, 69-82 URL : <https://popups.uliege.be/2593-9483/index.php?id=135>
- United Nations Office on Drugs and Crime (2023). UNODC and partners organized a three-day foundation course on investigations of the terrorism financing in Turkmenistan. May 24. at: <https://www.unodc.org/centralasia/en/unodc-and-partners-organized-a-three-day-foundation-course-on-investigations-of-the-terrorism-financing-in-turkmenistan.html>
- United Nations Office on Drugs and Crime (2023). UNODC supported the Briefing on possible Technical Assistance to Turkmenistan in the Implementation of the National Strategy and Action Plan on Prevention of Violent Extremism and Countering Terrorism for 2020-2024. May 24. at: <https://www.unodc.org/centralasia/en/unodc-supported-the-briefing-on-possible-technical-assistance-to-turkmenistan-in-the-implementation-of-the-national-strategy-and-action-plan-on-prevention-of-violent-extremism-and-countering-terrorism-for-2020-2024.html>
- Wilson, Jeanne L. (2021). Russia and China in Central Asia: Deepening Tensions in the Relationship. *Acta Via Serica*. 6(1). 55-90, doi: 10.22679/avs.2021.6.1.003
- World Population Review (2022). Muslim Population by Country 2023. April 15. at: <https://worldpopulationreview.com/country-rankings/muslim-population-by-country>

۶۰



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره سی‌ونهم،

شماره دوم، شماره

پیاپی چهل و نه،

تابستان ۱۴۰۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی